

پنجاه روایت **جعلی مشهوره** که اصلا در منابع روایی وجود ندارند:

در بین منابع روایی، روایات متعددی وجود دارد که ضعیف السند و جعلی هستند و فقها بواسطه علم رجال و برخی قواعد، آنها را تشخیص داده و از فتوا دادن بر طبق آنها اجتناب می کنند اما برخی عبارات هستند که اصلاً در هیچ یک از منابع روایی وجود ندارند چه با سند قوی و چه با سند ضعیف. اما متاسفانه به عنوان روایت شهرت یافته اند. نحوه ورود این روایات جعلی به منابر و افواه و حتی منابع متأخر شیعی، بعضاً بدین صورت بوده که ابتدا سید حیدر آملی (قرن ۸) از کتب اهل تسنن و صوفیه، این روایات را اخذ کرده و در کتاب خود با نام «جامع الاسرار» ذکر کرده، سپس ابن ابی جمهور به علت اعتماد و ارادت فراوان به سید حیدر[۲۱]، این روایات را در دو کتاب خود یعنی « عوالی اللئالی» و «المجلّی» وارد ساخته و پس از آن بحار الأنوار و وسائل الشیعه مستقیماً از عوالی اللئالی نقل کرده اند. مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی درباره جامع الاسرار می نویسد: «حاول فیه الجمع بین المتضادات و المتعارضات من أقوال الصوفیّة و توجیه کلماتهم بما ینطبق علی الشریعة، آملی در جامع الأسرار کوشیده تا میان سخنان ضدّ و نقیض و ناسازگار صوفیان آشتی دهد و گفتار ایشان را بر آنچه منطبق بر شریعت است، توجیه کند» (الذریعة ج۵ ص۳۹)

---

۲۱ – ابن ابی جمهور، سید حیدر را علامه متأخران و صاحب کشف حقیقی دانسته است.

برای اینکه به جعلی بودن روایات ذیل ایمان بیاورید، می توانید با استفاده از نرم افزار پیشرفته «جامع الأحادیث ۳/۵» عبارات ذیل را جستجو کنید، پس از آن مشاهده خواهید کرد که این عبارات در هیچ یک از منابع روایی ما موجود نمی‌باشند:

۱- « الشریعة نهر و الحقیقیة بحر. فالفقهاء حول النهر یطوفون، و الحکماء فی البحر علی الدر یغوصون، و العارفون علی سفن النجاة یسیرون » شریعت رود و حقیقت دریا است. پس فقها اطراف رود طواف می کنند و حکما در دریا فرو رفته و مروارید شکار می کنند و عارفان بر کشتی های نجات سیر می کنند. (این عبارت سالها در کتاب درسی حوزه (جواهر البلاغة) به أمیرالمؤمنین ع نسبت داده می‌شد که بحمد الله پس از اصلاح کتاب آنرا حذف نمودیم)

۲- « العلم هو الحجاب الأکبر» علم حجاب بزرگی است. (این عبارت را جاهلان صوفیه برای مقابله با فقه و اصول ساخته‌اند)

۳- « إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا » همانا برای پروردگارتان در روزهای زندگی شما وزیدن هایی است. آگاه باشید و خود را در معرض آن قرار دهید.

۴- «انّ للّه تعالی شرابا لأولیائه. إذا شربوا سکروا. و إذا سکروا طربوا. و إذا طربوا طابوا. و إذا طابوا ذابوا. و إذا ذابوا خلصوا. و إذا خلصوا طلبوا.و إذا طلبوا وجدوا. و إذا وجدوا وصلوا. و إذا وصلوا اتّصلوا. و إذا اتّصلوا لا فرق بینهم و بین حبیبهم». همانا برای خداوند شرابی برای أولیائش وجود دارد که هنگامی آنرا می نوشند مست می گردند و هنگامی که مست می شوند به طرب می آیند و هنگامی که به طرب می آیند پاک می شوند و هنگامی که پاک می شوند ذوب می شوند و هنگامی که ذوب می شوند خالص می گردند و هنگامی که خالص می شوند طلب می کنند و هنگامی که طلب می کنند می یابند و هنگامی که می یابند می رسند و هنگامی که می رسند متصل می شوند و هنگامی که متصل می شوند فرقی بین انها و حبیبشان (خداوند) باقی نمی ماند.

۵- إن للقرآن ظهرا و بطنا و لبطنه بطن إلی سبعة أبطن همانا قرآن ظاهر و باطنی دارد و برای بطن آن بطنی وجود دارد تا هفت بطن. (آنچه که از معصومین؊ رسیده است اثبات یک یا دو بطن برای قرآن می باشد نه هفت بطن)

۶- أنا النقطة تحت الباء این عبارت جعلی را منسوب به أمیرالمؤمنین ؑ کرده اند که: من نقطه زیر بای بسم الله در سوره حمد هستم.

۷- الصَّلاةُ مِعراجُ المُؤمِنِ نماز معراج مؤمن است. (این عبارت، از اهل بیت؊ به ما نرسیده است و تمام محدّثین در بین عباراتشان آنرا از خودشان نقل کرده اند) (بحار ج۷۹ص۳۰۳ و ج ۸۱ ص۲۵۵)

۸- العلم نقطة کثّرها جهل الجهّال [الجاهلون] علم نقطه ای بود که جهل جهّال آن را کثرت بخشید.

۹– الحقیقة کشف سبحات الجلال ... صحو الموهوم مع محو المعلوم حقیقت منکشف شدن محاسن جلال الهی می باشد. یعنی برطرف شدن موهومات و محو شدن معلومات (صوفیه این کلام جعلی را از کمیل از أمیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده اند)

۱۰– سترون ربّکم کما ترون القمر لیلة البدر به زودی پروردگارتان را خواهید دید همانگونه که ماه شب چهارده را می بینید.

۱۱– أسست السماوات السبع و الأرضون السبع علی قل هو الله أحد. آسمانهای هفتگانه و زمینهای هفتگانه بر قل هو الله احد بنا شده است.

۱۲– خلق الله الخلق فی ظلمة، ثمّ رشّ علیه [علیهم] **من نوره.** خداوند خلق را در تاریکی خلق نمود سپس از نور خود بر آنها پاشید.این عبارت جعلی را به پیغمبر أکرم صلی الله علیه و آله نسبت داده اند.

۱۳– رأیت انی اشرب اللبن حتی خرج الری من أظافیری فأعطیت فضلی عمر در خواب دیدم که شیر می نوشم تا اینکه سیرابی از ناخن هایم به در آمد و باقی مانده آن شیر را به عمر دادم. (این عبارت جعلی را به رسول الله صلی الله علیه و آله نسبت داده اند)

۱۴– ما أسرّ الیّ النبیّ شیئاً کتمه عن الناس پیامبر مطلبی سرّی که از مردم پنهان باشد را با من بازگو نکرده است. (این عبارت جعلی را به أمیرالمؤمنین علیه السلام نسبت داده اند)

۱۵– أنتم أعلم بأمور [بأمر] دنیاکم. شما از من به امور دنیای خود آگاهتر هستید. (این عبارت جعلی و صد در صد باطل را به پیغمبر أکرم صلی الله علیه و آله نسبت داده اند.) کلّ این داستان جعلی از این قرار است که اهل تسنن به پیغمبر أکرم ص نسبت داده اند که ایشان روزی به مردم گفتند: درختان خرما نیازی به بارور سازی ندارند لذا مردم در آن سال عمل تلقیح (تأبیر النخل) را انجام ندادند و درختان در آن سال ثمر ندادند، لذا پیامبر گفتند: شما در امور دنیا از من آگاه تر هستید!

۱۶– إنّ لله سبعین ألف حجاب من نور و ظلمة، لو کشفها لأحرقت سبحات وجهه ما انتهی إلیه من بصره من خلقه. همانا برای خداوند هفتاد هزار حجاب از نور و ظلمت وجود دارد که اگر آنها را کنار بزند محاسن وجهش تمام مخلوقات را می سوزاند. (این عبارت را به پیغمبرأکرم صلی الله علیه و آله نسبت داده اند)

۱۷– أولیائی تحت قبابی لا یعرفهم غیری (قباب: جمع قبه) أولیاء من تحت قبه من هستند و کسی آنها را نمی شناسد.

۱۸– مَنْ سَرَّهُ اَنْ یجْلِسَ مَعَ اللّه فَلْیجْلِسْ مَعَ اَهْلِ التَّصَوُّف هر کس که دوست دارد با خدا همنشین شود پس با صوفیه بنشیند.

۱۹– لاتَطعَنوا اَهْلَ التّصوفِ وَ الْخِرَقِ فَاِنَّ اخلاقَهُم اخلاقُ الانْبیاء و لباسَهُم لباسُ الانْبیاء به صوفیه و خرقه های آنها طعنه نزنید، زیرا اخلاق آنها اخلاق أنبیاء و لباسشان لباس أنبیاست.

۲۰– التّصوّف اَربَعَةُ اَحْرُفٍ، تاءٌ و صادٌ و واوٌ و فاءٌ. التّاء: ترکٌ و توبةٌ و تُقی؛ و الصّادُ: صبرٌ و صِدْقٌ و صَفاءٌ؛ و الواو: وردٌ و وُدٌّ و وَفاءٌ؛ و الفاء: فردٌ و فقرٌ و فناءٌ. (این روایت جعلی به غلط به أمیرالمؤمنین علیه السلام نسبت داده شده است)

۲۱– وَ رُوِیَ عَنْ عَلِیٍّ ع وَ قَدْ سُئِلَ عَنْ مَعْنَی التَّصَوُّفِ فَقَالَ ع التَّصَوُّفُ مُشْتَقٌّ مِنَ الصُّوفِ وَ هُوَ ثَلَاثَةُ أَحْرُفٍ ص و ف فَالصَّادُ صَبْرٌ وَ صِدْقٌ وَ صَفَاءٌ وَ الْوَاوُ وُدٌّ وَ وِرْدٌ وَ وَفَاءٌ وَ الْفَاءُ فَقْرٌ وَ فَرْدٌ وَ فَنَاء. این روایت جعلی در منابع روایی موجود نمی باشد و تنها ابن ابی جمهور احسایی که از صوفیه می باشد آنرا در عوالی اللئالی ذکر کرده است. (عوالی اللئالی العزیزیة فی الأحادیث الدینیة، ج۴، ص: ۱۰۵)

۲۲– حسنات الأبرار سیّئات المقرّبین خوبی های نیکان، به نسبت مقرّبین، گناه محسوب می شود.

در کتاب مستدرک سفینة البحار آمده است: « فی أنّ جملة «حسنات الأبرار سیّئات المقرّبین» المشهورة من الموضوعات؛ کما عن جماعة من المحقّقین مثل کتاب المزیل. قال مالفظه: هو من کلام أبی سعید الخزّاز من کبار الصوفیّة. وعن النجم أنّه قال: رواه ابن عساکر عن أبی سعید الخزّاز. وحکی عن ذی النون، وقیل عن الجنید أیضاً فراجع لشرح ذلک وأسامیهم إلی إحقاق الحقّ. فی ذیل الصفحة کلمات العلّامة النجفی المرعشی». (مستدرک سفینه البحار ج۵ص ۲۷۷)

۲۲– الشریعة أقوالی و الطریقة أفعالی و الحقیقة أحوالی (این عبارت جعلی در منابع روایی موجود نمی‌باشد)

۲۳– و انه لیران [لیُغانُ] علی قلبی، و انی لاستغفر اللّه کل یوم سبعین مرة من غیر ذنب (در منابع روایی شیعه موجود نمی باشد)

۲۴– عدد الطرق الی الله بعدد انفس الخلائق راههای رسیدن به خدا به تعداد خلایق می‌باشد.

۲۵– وَ رُوِیَ عَنْ عَلِیٍّ ع أَنَّهُ قَالَ إِنَّ کِتَابَ اللَّهِ عَلَی أَرْبَعَةِ أَشْیَاءَ عَلَی الْعِبَارَةِ وَ الْإِشَارَةِ وَ اللَّطَائِفِ وَ الْحَقَائِقِ فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ وَ الْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَ اللَّطَائِفُ لِلْأَوْلِیَاءِ وَ الْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِیَاءِ

۲۶– من طلبنی فقد وجدنی، و من وجدنی فقد عرفنی، و من عرفنی فقد أحبنی و من أحبنی فأنا قتلته و من قتلته فعلی دیته، و من علی دیته فأنا دیته هر کس مرا طلب کند، پس به تحقیق مرا خواهد یافت و هر که مرا بیابد، مرا خواهد شناخت و هر که مرا بشناسد، مُحِبّ من خواهد شد و هر کس مُحِبّ من گردد پس او را خواهم کشت و هر کسی را که بکشم خودم دیه او هستم.

۲۷– مَن عَلّمنی حَرفاً، فقد صَیَّرنی عبداً هر کس کلامی به من بیاموزد مـرا بنـده خـویش سـاخته اسـت. (ایـن عبـارت ساختگی به أمیرالمؤمنین﷣ نسبت داده شد است.)

۲۸– وَ فِی الْحَدِیثِ الْقُدْسِیِ یَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ **کنتُ کنزاً مَخفیّاً فأحببتُ أن اُعرفَ فخلقتُ الخلقَ لکی اُعرفَ.** من گـنج پنهانی بودم پس دوست داشتم که شناخته شوم، پس خلق کردم تا شناخته شوم. (این عبارت که از مزخرفات مـی باشـد، نیـز از جعلیّات صوفیه می‌باشد که به منابع روایی متأخر راه یافته است)

۲۹– وَ فِی الْحَدِیثِ الْقُدْسِیِ یَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ **لَا یَسَعُنِی أَرْضِی وَ لَا سَمَائِی وَ لَکِنْ یَسَعُنِی قَلْبُ عَبْدِیَ الْمُؤْمِنِ**. زمین و آسمان وسعت جادادن مرا ندارند اما قلب بنده مؤمن مرا در خود جای می‌دهد.

۳۰– الصورة الانسانیة هی أکبر حجّة للّه علی خلقه و هی الکتاب الذی کَتَبَه اللّه بیده. صـورت انسـانی بزگتـرین حجت خداوند بر خلقش می‌باشد و او کتابی است که خداوند با ید خود نوشته است. (این عبارت جعلی به امام صادق ﷣ نسبت داده شده است)

۳۱– حُبُ الْوَطَنِ مِنَ الْإِیمَان دوست داشتن وطن از ایمان می‌باشد. (دوست داشتن وطن، امر مطلوبی نیست، بلکـه دوسـت داشتن اسلام و کشورهای اسلامی مورد رضای خداوند است اگر وطن مادری شخص نباشد)

۳۲– الخیرُ فی مَا وَقَع خیر در آنچیزی است که واقع شده است. (اگر کسی دزدی کرد و دستش قطع شد نمی‌تواند بگوید: الخیر فی ما وقع. همچنین کسی که کوتاهی و تنبلی کند و نتیجه نگیرد نمی‌تواند بگوید: الخیر فی ما وقع)

۳۳– ان ابن آدم لحریص علی ما مُنع (این عبارت تنها در نهج الفصاحه ذکر شده است و بـه ایـن معنـا نیسـت کـه در واجبات و محرمات، امر به معروف و نهی از منکر را تعطیل نمائیم تا گنه کـاران حـریص نشـوند بلکـه اِخبـار از یـک واقعیّـت می‌باشد که باید در مقابل آن ایستاد)

۳۴– الناس علی دین ملوکهم مردم به دین حکمرانانِ خود، سوق پیدا می‌کنند. (این عبارت یک ضـرب المثـل مـی‌باشـد) (بحار ج۱۰۲ ص۸) آنچه که روایت می‌باشد این عبارت است: « وَ إِنَّمَا النَّاسُ مَعَ الْمُلُوکِ وَ الدُّنْیَا إِلَّا مَنْ عَصَـمَ اللَّـهُ » (الکـافی ج۱ ص ۶۳)

۳۵– و لنا مع اللّه حالات نحن فیها هو و هو فیها نحن و هو هو و نحن نحن برای ما أهل بیت با خداوند حالاتی است که در آن حالات ما او هستیم و او ما می‌باشد و در حالی که ما ما هستیم و او او است. (عبارت شبیه: لنا مع اللّـه حـالات فیهـا نحن هو وهو نحن؛ لکن هو هو ونحن نحن)

۳۶– ان الله ما نظر الی الاجسام مُنذُ خَلَقَها همانا خداوند از زمانی که اجسام را آفریده به آنها نظر نکرده است.

۳۷– تجرد تجوع تصل ترانی

۳۸– قال ابوعبدالله علیه السلام لولده اسمعیل یا بنی **اجتهد فی تعلم علم السر فان له برکة کثیرة اکثر مما یظن یا بنی من تعلم علم العلانیة و ترک علم السر یهلک و لا یسعد.** یا بنی ان اردت ان یکرمک ربک بعلم السر فعیلک ببغض الدنیا و اعرف خدمة الصالحین و احکم امرک للموت فاذا اجتمع فیک هذه الخصال الثلاثة یکرمک ربک بعلم السر و ابوعبـدالله (نبـاجی) در وصیت خود به پسرش گفت: پسرجان، در فراگیری علم سر بکوش، زیرا که برکت آن بیش از آن است که تـو مـی پنـداری، پسر جان، هر که علم ظاهر را بیاموزد و علم سر و باطن را رها سازد به هلاکت افتاده و خود نمی داند. سپس بدان که ایـن علـم اعطایی است نه تکلفی؛ جز آن که خداوند آن را بـا کوشـش نیـک بنـده بـه وی عطـامی فرمایـد. پسـرجان، اگـر مـی خـواهی پروردگارت تو را با عطای علم سر گرامی بدارد بر تو باد به دشمنی دنیا، و خدمت صالحان را پیشه ساز، و کار خـود را بـرای مرگ محکم ساز، پس هرگاه این خصال سه گانه در تو جمع شد خداوند تو را به علم سر و مناقب صالحان گرامی خواهد داشت.

(عبارت فوق از ابوعبدالله نباجی است که به غلط به ابوعبدالله (امام صادق علیه‌السلام) نسبت داده شـده است.

۳۹– فوضع الله تعالی کفه بین کتفی فوجدت بردها بین ثدییّ. خداوند دستش را در شب معراج در بین دو کتف مـن نهاد و من سردی دستش را در بین دو سینه ام حس کردم.

۴۰– قَلْبُ الْمُؤْمِنِ بَیْنَ إِصْبَعَیْنِ مِنْ أَصَابِعِ الرَّحْمَن قلب مؤمن بین دو انگشت از انگشتان خداوند رحمن است.

۴۱– أنا اصغرُ من ربّی بسَنَتین من از پـرورش دهنـده خـود (پیـامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله) دو سـال کـوچکترم. (ایـن عبـارت جعلـی را بـه أمیرالمؤمنین علیه‌السلام نسبت داده اند، برخی هم آن را به ابن عربی منسوب کرده و مراد او از ربّ را پروردگار عالم دانسته‌اند.)

۴۲– لَوْ شِئْتُ لَأَوْقَرْتُ سَبْعِینَ بَعِیراً فِی تَفْسِیرِ فَاتِحَةِ الْکِتَاب اگر می خواستم به مقدار بار هفتـاد شـتر در تفسیر فاتحـة الکتاب (سوره حمد) می‌نوشتم. (عبارت متشابه: َلَوْ شِئْتُ لَأَوْقَرْتُ سَبْعِینَ بَعِیراً مِنْ بَاءِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم)

۴۳- خَمَّرْتُ طِينَةَ آدَمَ بِيَدِي أَرْبَعِينَ صَبَاحا من گل آدم را با دستانم چهل روز خمیر می‌کردم. (عوالی اللئالی، این عبارت جعلی را به خداوند نسبت داده است! نعوذ بالله من الجاهلین)

۴۴- العبودیة جوهرة کنهها الربوبیة عبودیّت جوهری است که نهایت آن ربوبیّت است. این عبارت جعلی، اولین بار در مصباح الشریعة به امام صادق (ع) نسبت داده شده است. مصباح الشریعه کتابی است که توسط یکی از صوفیه با نام شقیق بلخی یا فضیل بن عیاض نوشته شده است و روایات آن به دروغ بدون ارائه هیچگونه سندی به امام صادق نسبت داده شده است، روایات این کتاب را یک به یک در منابع روایی جستجو کنید تا به جعلی بودن آنها پی ببرید.

۴۵- کلّ یوم عاشورا و کلّ أرض کربلا (این عبارت در هیچ یک از منابع روایی موجود نمی باشد)

۴۶- العلماء أمتی أفضل من أنبیاء بنی اسرائیل (علمای أمت من از أنبیای بنی اسرائی برترند.) این عبارت توسط عامه، بدون ذکر سند به پیامبر أعظم (ص) نسبت داده شده است.

یا عبارت **علماء أمتی کأنبیاء بنی إسرائیل** علمای أمتم مانند انبیای بنی اسرائیل هستند. (الصراط المستقیم إلی مستحقی التقدیم، عاملی نباتی ۸۷۷ق، ج۱، ص: ۱۳۱)

یا عبارت **فَإِنِّي أَفْتَخِرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِعُلَمَاءِ أُمَّتِي عَلَى سَائِرِ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي** من در روز قیامت بواسطه علمای امتم بر سائر أنبیای قبل از خود، مباهات می کنم. (جامع الأخبار، شعیری، ص۳۸ به نقل از أبوهریره کذّاب)

مرحوم شیخ حرّ عاملی (نویسنده وسائل الشیعة) می نویسد: هیچ یک از محدثین شیعه را در یاد ندارم که این حدیث را در یکی از کتب قابل اعتماد ذکر کرده باشند، تنها برخی از علمای متأخّر در غیر کتب از کتب حدیثی آنرا ذکر کرده‌اند و گویا این عبارت از روایات أهل تسنن یا از جعلیّات آنان می‌باشد تا آنرا دستاویزی برای بی‌نیازی از أهل بیت (ع) توسط علمایشان قرار دهند. (الفوائد الطوسیة،شیخ حر عاملی ص۳۷۶) سید عبدالله شبّر می‌نویسد: پس از جستجو و تتبّع در منابع و احادیثمان، به این حدیث دست نیافتیم و ظاهراً از ساخته‌های عامه می‌باشد. از عالمان ما محدث حر عالمی در الفوائد الطوسیه و محدث جزائری بر جعلی بودن این حدیث، تصذیح کرده اند. (مصابیح الأنوار ج۱ ص۴۳۴)

۴۷- موتوا قبل أن تموتوا (قبل از مردن [اجباری به صورت اختیاری] بمیرید.) این عبارت روایت نمی باشد و آ«چه روایت است این عبارت می باشد: «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا وَ وَازِنُوهَا قَبْلَ أَنْ تُوَازَنُوا یعنی به حساب اعمالتان برسید قبل از اینکه به حسابتان رسیده شود» (غرر الحکم و درر الکلم ص ۳۵۲)

۴۸– وَ فِي الْحَدِيثِ الْقُدْسِي **أَعْدَدْتُ لِعِبَادِيَ الصَّالِحِينَ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَ لَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَ لَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَر** برای بندگان صالحم آماده ساخته ام آنچه را که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه بر قلبی از بشر خطور کرده است. (مضمون این روایت و همچنین مضمون برخی از روایات فوق صحیح می‌باشد، اما روایت نمی‌باشد و از کتب صوفیه وارد منابع روایی متأخر شده است)

۴۹– اُستُر ذهابک و ذهبک و مذهبک (رفت و آمدها و طلا [و دارایی] و مذهبت را از دیگران مخفی بدار) در نسخه خطی التحفة السنيّة با تعبیر «ورد فی وصایا الحکما... » آمده است.

۵۰– تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ متخلّق به اخلاق خداوند شوید.

هیچ یک از عبارات فوق توسط أهل بیتعلیهم‌السلام **صادر نشده‌اند** و در منابع روایی ما موجود نمی‌باشند، البته برخی از آنها دارای **مضمون صحیحی** هستند، اما به مجرد صحیح المضمون بودن، نمی‌توان آنرا به اهل بیت علیهم‌السلام نسبت داد و نسبت دروغ، حرام و موجب بطلان روزه و وجوب کفاره جمع می گردد.